

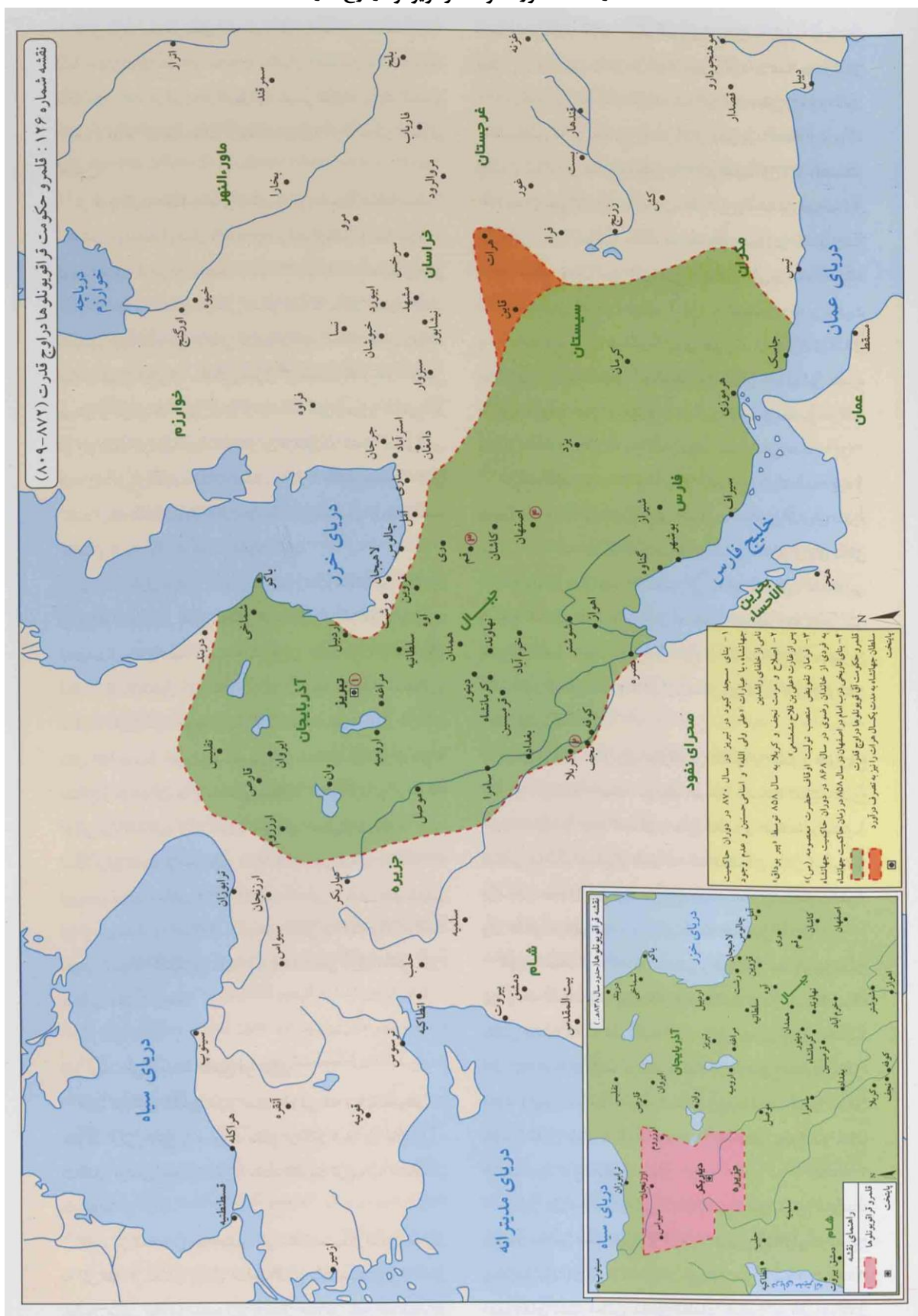
قراقویونلوها

قراقویونلوها (بارانیان) یا دارندگان گوسفندان سیاه، نام یکی از قبایل ترکمان است که از حوالی سال ۷۷۷ تا ۸۳۷ در بخشی از آناتولی شرقی فرمانروایی داشتند. امیرنشین آنان از شمال به ارزروم و از جنوب به موصل و شهر ارجیس (واقع در کنار دریاچه وان) و ارومیه محدود بود. آنان با تسلط بر آذربایجان، عراق، ارانو بخش گسترده ای از ایران، موفق شدند دولتی نیرومند در قرن نهم هجری تأسیس نمایند. قرايوسف مؤسس واقعی دولت قراقویونلوها، پس از کشته شدن قرا محمد پسر بیرام خواجه به امارت رسید. پس از او، دو تن از پسرانش به نام های اسکندر و جهانشاه به قدرت رسیدند. جهانشاه پس از مرگ برادر حکمران بلامنازع قلمرو قراقویونلوها گردید. دولت قراقویونلو در زمان وی به اوج قدرت رسید و درخشان ترین دوره خود را گذراند.

جهانشاه به جز از خراسان، (اگر چه تا هرات رفت، ولی بیش از یک سال نتوانست در آن شهر استقرار یابد) تمام نقاط ایران، اران، عراق و نواحی مرزی آناتولی شرقی را به زیر سلطه خود در آورد؛ اما در نبردی علیه اوزون حسن (فرمانروای آق قویونلو) شکست خورد و کشته شد. با مرگ او دولت قراقویونلو به تدریج رو به زوال نهاد. پس از جهانشاه، فرزندش - حسنعلی - مدت کوتاهی به قدرت رسید. وی فردی خون ریز و بی تدبیر بود که پس از شکست و کشته شدن او توسط سپاه اوزون حسن در سال ۸۷۳، حکومت قراقویونلو برچیده شد.

مدارک موجود، از علاقه قراقویونلوها به مذهب تشیع خبر می دهد. آنان به تدریج از فضای تسنن عبور کرده و وارد عرصه تشیع گردیدند. در منابع تاریخی، پیر بوداق، به عنوان یک شیعه جدی مطرح شده است، به طوری که نوشته اند او به دلیل همین گرایش در مبارزه با مشعشعیان چندان سخت گیری نمی کرد. برخی از آثار تاریخی برجای مانده از روزگار قراقویونلوها حکایت از علائق شیعی آنان دارد. برای مثال بنای مسجد کبود که در زمان جهانشاه و به سعی و اهتمام همسر وی خاتون جان بیگم آغاز شد و در ربیع الاول سال ۸۷۰ هجری به پایان رسید، نشانگر چنین گرایشی است. در این مسجد نامی از خلفای نخستین به میان نیامده و به جای آن عبارت «علی ولی الله» و اسامی «حسنین» به اشکال مختلف زینت بخش دیوارها و طاق های آنان گردیده است.

از دیگر آثار ارزنده این دوره، بنای تاریخی درب امام، در اصفهان است. این بنا آرامگاه دو امامزاده به نام های امامزاده ابراهیم از نبیره های حسن مثنی و دیگری سید علی ملقب به زین العابدین از نسل علی بن جعفر عریضی است.



بنای درب امام در سال ۸۵۷ در زمان پادشاهی جهانشاه و به اشاره فرزندش محمدی سلطان، حکمران اصفهان ساخته شد. بنای درب امام از دوره قراقویونلو، حرمی کوچک با یک گنبد و دهلیزی برابر آن بود؛ باقی تزیینات موجود آن از عصر صفوی است.

قراقویونلوها علاقه خاصی به قم و حرم حضرت معصومه (س) داشتند. جهانشاه در سال ۸۶۷ برای «تولیت اوقاف روضه منوره و تربت مقدسه امامزاده معصومه، بنت الامام... فاطمه علیها و علی آبائها التحیة و السلام» فرمانی صادر کرد که حائز اهمیت است. همچنین جهانشاه، طی فرمانی تولیت اوقاف آستانه مقدس و نقابت سادات قم را به یکی از سادات رضوی این شهر واگذار نمود. از متن فرمان بر می آید که امیران پیش از او، مانند امیرتیمور و شاهرخ نیز در این زمینه فرمان هایی داشتند و این فرامین، در شمار قدیمی ترین فرمان ها درباره قم و آستانه مقدس حضرت فاطمه معصومه است.

از شواهد دیگری که نشان دهنده گرایش شیعی قراقویونلوهاست، عنایت و توجه آنان به عتبات عالیات است.

براساس گزارش های تاریخی در این زمان، خزائن این اماکن پر از جواهرات و ثروت های اعطایی فرمانروایان قراقویونلو بوده است. برای مثال اسپند میرزا، حاکم عراق، عنایت ویژه ای به بارگاه نجف و کربلا مبذول می داشت و برای آن امکنه مقدسه، خدمتکار و ماهیانه مقرر نمود. همچنین پس از غارت حرمین نجف و کربلا به سال ۸۵۸ توسط «علی بن محمد بن فلاح المشعشعی» پیر بوداق به اصلاح و مرمت آن جا پرداخت و خسارت اهالی کربلا را از خزانه دولتی پرداخت کرد. از این دوره سکه های شیعی چندی به جا مانده است. برای نمونه از حسنعلی (۸۷۲-۸۸۴)، علی حسن (۸۷۲-۸۷۲)، ابوسعید برادر اسکندر (۸۶۳-۸۷۳)، سکه هایی با شعارهای شیعی، اما از جهانشاه (۸۴۱-۸۷۳) سکه های سنی به دست آمده است. طبیعی است که تشیع این دوره، در حدّ مدخلی برای تشیع دوره صفوی است نه بیشتر.

ابن فهد حلی و بسط تشیع در عراق

قرن نهم قرن تشیع عراق است، قرنی که به خصوص در جنوب عراق، تشیع به صورت مطلق فراگیر شد. در این دوره، ساکنان نواحی جنوب عراق تا بغداد اکثریت قریب به اتفاقشان شیعه امامی بودند.

احمد بن محمد بن فهد اسدی حلی ملقب به جمال الدین معروف به ابن فهد، از علمای بزرگ امامیه قرن نهم هجری و از نسل عالمان مکتب حله می باشد. وی به سال ۷۵۷ در حله زاده شد و در همین شهر اقامت گزید. مرکز تدریس او مدرسه زینبیه بود. وی بخشی از عمر خود را نیز در کربلا سپری کرده و همانجا در سال ۸۴۱ درگذشت و به خاک سپرده شد. ابن فهد، مدتی را هم به دلیل اغتشاشاتی که در حله رخ داد در لبنان بسر برد. استادان وی که اغلب از شاگردان فخر المحققین (۷۷۱) و شهید اوّل (۷۸۶) هستند عبارتند از: علی بن خازن حائری، علی بن یوسف بن عبدالجلیل نیلی، ابن متوّج بحرانی، مقداد بن عبدالله سیوری مشهور به فاضل مقداد، جمال الدین ابن اعرج عمیدی و علی بن عبدالحمید نسّابه حسینی که در محضر آنان به تحصیل فقه و حدیث پرداخت. مهم ترین شاگردان وی عبارتند از: علی بن هلال جزایری، ابن رشد قطیفی، عبدالسمیع بن فیاض اسدی، ابن عشره کرکی، مفلح بن حسن صیمری، محمد بن محمد بن حسن حولانی و سید محمد بن فلاح که بنیانگذار دولت مشعشعی است.

ابن فهد فقیهی برجسته و به واقع از مراجع بزرگ شیعه بود و پس از وی فقها بر استادیش اذعان داشته از آثارش بهره می بردند. کتاب های متعددی در فقه و دعا و اخلاق از وی باقی مانده است که عبارتند از: التحصین فی صفات العارفین، عدّه الداعی و نجاح الساعی، الفصول فی دعوات اعقاب الفرائض، المقتصر من شرح المذهب البارع فی شرح المختصر النافع که مهم ترین کتاب فقهی اوست. مجموعه ای از رسائل وی نیز با عنوان الرسائل العشر چاپ شده است.

برخی از آثار دیگر وی عبارتند از: الادعیة و الختوم، التواریخ الشرعیة من الائمة المهدیة، جوابات المسائل الشامیة الثانیة، شرح الارشاد، اللوامع، نيات العبادات و صیغ العقود و الايقاعات، الهدایة. کتابی با نام استخراج الحوادث که متضمن پیش گوییهای براساس سخنان حضرت علی (ع) بوده، به وی منسوب است. وی علائق عرفانی، معنوی و غیب گرایانه خاصی داشت.

دوران حیات او به لحاظ سیاسی و فرهنگی بسیار پریشان بود و حله تحت سلطه ترکمانان قرار داشت. درباره او گفته اند که نقشی مشابه علامه حلی، ایفا کرد چنان که در زمان «اسپند میرزای» ترکمان با علمای سنی بغداد در موضوع امامت مناظره نمود، و چون حقانیت شیعه به اثبات رسید، اسپند میرزا مذهب خود را تغییر داد و به نام دوازده امام (ع) خطبه خواند و سکه ضرب نمود (تاریخ العراق بین احتلالین: ۱۰۹/۳).

در این دوره، به موازات پیشرفت تشیع امامی، تشیع صوفیانه نیز در تمامی نقاط ایران و ماوراءالنهر و آناتولی در حالت پیشرفت بود. دو تن از شاگردان ابن فهد حلی با سوء استفاده از

آموزه های تشیع امامی، مدّعی مقامات خاص عرفانی - ولایی شدند. از آن جمله محمد بن فلاح (م ۸۷۰) بود که بنیانگذار سلسله مشعشی در خوزستان در میان قبایل عربی آن ناحیه و جنوب عراق بود. دیگری سید محمد نوربخش (م ۸۶۹) که او هم مؤسس سلسله صوفیانه نوربخشیه به ویژه در ماوراءالنهر در دوره تیموریان و هند گردید. احمد بن فهد، ظاهر و باطن و فقه و تصوف را با هم داشت، اما همزمان یک مرجع فقهی و علمی برای شیعیان به حساب می آمد. وی در سال ۸۴۱ در سن ۸۴ سالگی وفات یافت و در کربلا به خاک سپرده شد.

آق قویونلوها

آق قویونلوها (بایندیان) یا دارندگان گوسفندان سفید، نام قبیله ای از ترکمانان است که از آغاز قرن نهم هجری تا چیرگی صفویان به سال ۹۰۷ در آناتولی شرقی و غرب ایرانفرمانروایی کردند. دولت آق قویونلو، آذربایجان، قراباغ، ارمنستان، کردستان، دیاربکر، بین النهرین، فارس، کرمان و عراق عجم تا سواحل خلیج فارس را در تصرف داشت.

اوج قدرت حکومت آق قویونلوها در دوره اوزون حسن (۸۲۸-۸۸۲) بود. وی دخترش را به ازدواج شیخ حیدر صفوی درآورد که شاه اسماعیل حاصل این ازدواج بود. همچنین شیخ جنید، جدّ شاه اسماعیل در سال ۸۶۱ قریب سه سال نزد اوزون حسن ماند و با خواهر وی، خدیجه بیگم ازدواج کرد. شاید به دلیل همین پیوندهاست که آثار و قرائنی مبنی بر وجود گرایش های شیعی در میان فرمانروایان این دولت می توان یافت.

پس از اوزون حسن فرزندش سلطان خلیل به قدرت رسید، اما برادرش سلطان یعقوب بر وی شورید و او را به قتل رساند و خود به جایش نشست. پس از مرگ سلطان یعقوب در سال ۸۹۶ پسر ده ساله اش بایسنقر به امارت رسید. بعد از بایسنقربرادرش رستم امارت یافت و میان سالهای ۸۹۷-۹۰۲ سلطنت کرد. در این سال احمد بیک بر او شوریده وی را به قتل رساند و برتخت نشست. پس از وی سلطان مراد فرزند یعقوب و سپس الوند بیک فرزند یوسف بن اوزون حسن به حکومت رسیدند که هر دو نفر یکی پس از دیگری در سال ۹۰۷ و ۹۰۸ توسط شاه اسماعیل حذف شدند. حکومت آق قویونلو، هر چند به زعم بسیاری، دولتی سنی مذهب به شمار می رود، اما چنان که گفته شد شواهدی وجود دارد که نشان دهنده گرایش های شیعی در میان برخی اعضای این سلسله است. برای مثال، فرامین تفویض منصب تولیت آستانه حضرت معصومه و مسجد امام حسن عسکری (ع) در قم به خاندان رضوی و یا مزار سلطان علی در

اردهال کاشان و نقابت سادات به سید نظام الدین سلطان احمد و سید کمال الدین عطاء الله از رضویان قم، فرمان سیور غال موضع انبدر و دقات تبریز به نام امیر سید رفیع الدین عبدالغفارشیخ الاسلام آذربایجان، فرمان واگذاریدن تولیت موقوفات بقعه شهشهان و نقابت سادات اصفهان به بازماندگان شاه سید علاء الدین محمد نقیب، در دوران فرمانروایی اوزون حسن، از آن جمله است. فرمان های مشابهی در زمان یعقوب، رستم بیک، قاسم بیک و الوند بیک وجود دارد. هم چنین در این زمان، در اصفهان مدرسه ای به نام «مدرسه اوزون حسن» تأسیس شد که گفته شده از مکان های شیعی به شمار می رفته است. اوزون حسن کاخی زمستانی در قم داشت که هر شب جمعه سادات و اکابر را جمع می کرد و آنان به وعظ و ذکر ابرار می پرداختند. از این عصر سکه های سنی - شیعی بسیاری برجای مانده که ارائه نظر در ارتباط با مذهب این خاندان و دولت را دشوارتر می کند. برخی از سکه های آق قویونلو از زمان اوزون حسن، همزمان اسامی دوازده امام و خلفای سه گانه اول روی آنها دیده می شود. (سکه های آق قویونلو، ترابی طباطبائی: ۴۷)

تفکر تسنن دوازده امامی در این دوره مدخلی برای رسمیت یافتن تشیع امامی کامل در ایران دوره صفوی بود.

سردر زاویه درب کوشک در اصفهان از سال ۹۰۲ و به روزگار آق قویونلو حاوی شعائر شیعی از جمله حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» و شعر:

فرض علی الحاضر و الغائب *** حب علی بن ابی طالب

حک شده است. به جز عبارت فوق، نام «علی» به تعداد زیاد به خط بنائی در این بنا دیده می شود. (گنجینه آثار تاریخی اصفهان: ۳۵۹).